

قلال



ها یا گونه هر کدام ده ها زیر گونه یا ساب ژانر دارند. مثلاً فیلم های پلیسی را می شود در مورد سرقت، گروگان گیری، پلیس های فاسد، پلیس های مخفی و نفوذی در میان گروه های تبه کاری و ... گونه بندی کرد. سرقت از بانک یا نفوذ به عنوان مامور مخفی دو تا از معروفترین زیرگونه های پلیسی هستند.

چیزی که در موردش می خواهم بنویسم کمی پیچیده است و حتما باید این مقدمه را تحمل کنید. بعضی وقت ها کار آنقدر پیچیده می شود که دیگر حتی نمی دانیم یک ساب ژانر متعلق به کدام ژانر است! یعنی من یک فیلم را می شناسم اما نمی توانم دسته بندی اش کنم! فیلم آنقدر عناصر مختلف را در هم جمع کرده که دسته بندی اش دشوار است. گونه ای از فیلم ها هستند که به آنها فیلم های آخر زمانی می گویند. فیلم هایی که در مورد آینده ای روایت می شوند که مشخص نیست چه زمانی است ولی در آینده تلخ و دردناکی است که زندگی بشر به درجه ای از فجایع رسیده که آدم های دلیل به جان هم می افتند. زیر گونه ای از این فیلم ها هم هست که به تلخی سرنوشت جوان ها برمی گردد. در آینده جوان ها بی دلیل شکار می شوند، به جان هم می افتند و بزرگترها با آنها به گونه اظالمانه و تحقیر آمیز رفتار می کنند. نمونه هالیوودی این نوع فیلم را تا اندازه ای می توان در سه گانه جذاب «بازی های گرسنگی» دید که جنیفر لارنس را به مقام ستارگی رساند. در این فیلم، از سیزده منطقه تحت حکومت دولت مرکزی، سیزده نوجوان یا جوان به قید قرعه برگزیده می شدند تا در مراسمی بدوی، با هم بجنگند و آنقدر همدیگر را بکشند تا تنها یکی زنده بماند. رفتاری بدوی برای نشان دادن میزان قدرت و ترسناک بودن حکومت مرکزی!

همه این توضیحات نوشته شد تا توجه شما را به یک فیلم دیگر و بعد به سرنوشت جوان های لیگ فوتبال مان جلب کنم. فیلمی ژاپنی سال ها قبل ساخته شد به نام بتل رویال یا نبرد ملوکانه که جزو فیلم های کالت یا اثرگذار به حساب می آید. بتل رویال در ژاپن ساخته شد و داستان آینده ای را نشان می داد که در آن، بزرگسالان جوان ها را به دلیل بی احترامی و بی توجهی شان مجازات می کردند. آنها تمام اعضای یک کلاس را به جزیره ای بردند و به آنها گفتند که هیچ شانسی برای بقا ندارند و تنها یک نفر زنده بیرون می آید. هر کسی تجهیزاتی دریافت می کرد که می توانست یک مسلسل یا یک در قابلمه باشد! فیلم بسیار تلخی بود و البته نکات روانشناسانه و جامعه شناسانه ای هم در آن دیده می شد که جای بحث اینجاست.

وقتی می بینم در لیگ با جوان ها چگونه برخورد می کنیم یاد این فیلم می افتم. وقتی می بینم چگونه از میدان دادن به جوان ها خودداری می کنیم و آنها را در رقابت با یکدیگر قرار می دهیم تا نتوانند به سمت پیشرفت حرکت کنند و ناچار شوند در راه رسیدن به موفقیت، همدیگر را کنار بگذارند آتش می گیرم. دیدید یواخیم لو چگونه توانست در آلمان به راحتی یک تغییر نسل مهندسی شده دیگر را رقم بزند؟ دیدید چگونه توانست با بازیکنانی با چند بازی ملی انگشت شمار قهرمان جام کنفدراسیون ها شود؟

حالا ببینید در استقلال چه خبر است! دیدید تیمی که به لطف جوان هایش توانست نایب قهرمان لیگ شود و مربی ای که به لطف همین جوان ها از خطر اخراج گریخت، چگونه به همان جوان ها خیانت کردند؟ دیدید که جوان ها به دلیل جوان بودن چگونه با بی مهری مواجه شدند؟ دیدید چگونه هر چه بازیکن بالای سی سال بود به این تیم اضافه شد؟ این همان بتل رویالی است که علیرضا منصوریان در استقلال راه انداخته. این همان بتل رویالی است که در لیگ برتر راه انداخته ایم. این همان بتل رویالی است که در فوتبال خود درست کرده ایم.